

# آنچه بر خود می‌پسندید بر زنان روادارید

الیزابت کدی استنتون  
خطابه در مجلس قانونگذاری نیویورک  
بر اساس ویرایش دایان راویچ





---

# آنچه بر خود می پسندید بر زنان روادارید

الیزابت کدی استنتون  
خطابه در مجلس قانونگذاری نیویورک  
بر اساس ویرایش دایان راویچ



**توانا**  
TAVAANA

آموزشکده الکترونیکی  
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

*for civic education*

---

THE AMERICAN READER.  
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.  
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner  
whatsoever without written permission except in the case of brief  
quotations embodied in critical articles and reviews.  
For information address HarperCollins Publishers Inc.,  
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by  
arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی  
توانا  
TAVANA  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

آنچه بر خود می پسندید بر زنان روا دارید  
خطابه در مجلس قانونگذاری نیویورک

(Address to the Legislature of New York on Women's Rights  
Independence Day Speech at Rochester)

---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

---

الیزابت کدی استنتون (Elizabeth Cady Stanton)

---

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

## e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که میشمار صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari



## فهرست

۹

مقدمه دایان راویچ

۱۱

آنچه بر خود می‌پسندید بر زنان روا دارید





## مقدمه دایان راویچ

«آقایان، ما قانونی بهتر از آنچه برای خود وضع کرده‌اید نمی‌خواهیم. حقوق همه انسان‌ها با هم برابر و یکسان است.»

الیزابت کدی استنتون<sup>۱</sup> خطیب، فیلسوف و یکی از برنامه‌ریزان و مبلغان برجسته جنبش برابری زنان در ایالات متحده آمریکا بود. در ۱۸۱۵ در یک خانواده ثروتمند و محافظه‌کار در شمال ایالت نیویورک به دنیا آمد. با هری بی. استنتون ازدواج کرد که وکیل و مثل خود الیزابت طرفدار الغای برده‌داری بود، و حاصل این ازدواج هفت فرزند بود. در هنگام ازدواج درخواست کرد که تعبیر «اطاعت از شوهر» از شروط ازدواج‌اش حذف شود چون معتقد به برابری با همسرش بود. او از چهره‌هایی در جنبش زنان است که به حقوقی فراتر از حق رای زنان فکر می‌کرد گرچه در زمینه

---

1. Elizabeth Cady Stanton (1815-1920)

2. Henry B. Stanton

حق رای هم بسیار فعال بود. در سال ۱۸۴۸، به تصویب قانون مهمی در نیویورک کمک کرد که به زنان متأهل حق مالکیت می‌داد؛ همچنین یکی از چهره‌های اصلی همایش سنکا فالز<sup>۱</sup> بود که در همان سال برگزار شد. در سال ۱۸۵۱ با سوزان بی. آنتونی متحد شد، و به این ترتیب هر دوی آنها جریان جنبش زنان را تا پایان قرن نوزدهم هدایت کردند.

در فوریه ۱۸۵۴، الیزابت کدی استنتون به نمایندگی از یک مجمع ایالتی طرفدار حقوق زنان، در مقابل مجلس قانونگذاری ایالت نیویورک ظاهر شد. استنتون و آنتونی نسخه‌ای از متن خطابه را روی میز همه نمایندگان گذاشتند و پنجاه هزار نسخه هم برای توزیع تهیه کردند. پیش از ایراد سخنرانی، استنتون که آن زمان سی و هشت ساله بود، متن را برای پدرش که حقوقدان معتبری بود خواند. پدرش نخست برآشفته و تهدید کرد که او را از ارث محروم می‌کند، اما سرانجام در مسائل حقوقی به او کمک کرد. متن زیر فشرده‌ای از این خطابه است.<sup>۲</sup>

---

۱. همایش سنکا فالز که اولین در نوع خود بود، برای بررسی وضعیت حقوق مدنی و اجتماعی زنان در شهر سنکا فالز (Seneca Falls) ایالت نیویورک برگزار شد.

۲. متن کامل آن را در این نشانی می‌یابید.

## آنچه بر خود می‌پسندید بر زنان روا دارید

ما خواستار همه حقوق شهروندی‌مان هستیم

آقایان، ما دختران قهرمانان انقلابی ۱۷۷۶، در آمریکای جمهوری خواه در قرن نوزدهم از شما تقاضا داریم که با بازنگری قانون اساسی ایالتی و تبیین قوانین تازه، ظلمی را که در حق ما شده جبران کنید. اجازه دهید که به اختصار توجه‌تان را به ناکارآمدی‌های حقوقی‌ای جلب کنیم که درگیرشان هستیم.

اول. به وضعیت کلی زن نگاه کنید. این که طبق قانون شما، ما اجازه زنده بودن و نفس کشیدن داریم، و می‌توانیم نیازهای زندگی را از حامیان حقوقی‌مان مطالبه کنیم، و تاوان جرایم‌مان را بپردازیم، کافی نیست. ما خواستار همه حقوق شهروندی‌مان هستیم. ما اهل این سرزمین هستیم و آزاد به دنیا آمده‌ایم، صاحب ملک هستیم و مالیات پرداخت می‌کنیم، اما از حق رأی دادن محروم شده‌ایم. ما زندگی خودمان را تأمین می‌کنیم و همچنین از مدارس، دانشگاه‌ها، کلیساها، نوانخانه‌ها، زندان‌ها، ارتش، نیروی دریایی، و کل دولت حمایت می‌کنیم، ولی با این حال در شوراهای شما سهمی نداریم. ما همه شرایطی را که قانون اساسی برای رأی دهندگان قانونی تعیین کرده دارا هستیم، بجز جنسیت.

ما انسان‌هایی بااخلاق، پرهیزکار، و باهوش هستیم و از هر نظر با مردان سفیدپوست

آزاده برابریم، اما طبق قانون شما همسطح احمقان، دیوانگان و سیاهپوستان قرار گرفته‌ایم. از جایگاهی که به ما داده شده خرسند نیستیم، اما واقعیت این است که موقعیت حقوقی‌مان از آنها هم پایین‌تر است، چون یک مرد سیاهپوست اگر ۲۵۰ دلار داشته باشد، می‌تواند به حق رأی دست پیدا کند. دیوانه هم در زمان صحت عقل می‌تواند رأی بدهد. همچنین فرد احمق، البته اگر مرد باشد و زوال عقلش بیشتر از نه دهم نباشد. اما ما که خیریه‌های بزرگ به راه انداخته‌ایم، تبلیغ مذهب کرده‌ایم، مجله چاپ کرده‌ایم، درباره تاریخ، اقتصاد و آمار کتاب منتشر کرده‌ایم، ما که بر ملت‌ها حکومت کرده و ارتش‌ها را رهبری کرده‌ایم، بر کرسی استادی دانشگاه تکیه زده‌ایم و به دانشمندان زمان‌مان فلسفه و ریاضیات آموخته‌ایم، سیاره‌ها را کشف کرده و کشتی‌ها را در دریا هدایت کرده‌ایم، از مقدس‌ترین حقوق شهروندی محروم هستیم چون وقتی پا به این سرزمین گذاشتیم دارای شأن والای مردانگی نبودیم! ...

آیا می‌شود اینجا در این سرزمین که خون سلطنتی و تبار حواریون را به رسمیت نمی‌شناسیم، شما که اعلام کرده‌اید همه انسان‌ها برابر خلق شده‌اند و رضایت اتباع است که به حکومت‌ها قدرت مشروع می‌دهد، بخواهید نظامی سلطنتی بنا کنید که عوام و نادان‌ها را بالاتر از افراد تحصیل‌کرده و فرهیخته، و مقنی‌ها را برتر از نویسندگان و شاعران زمان قرار دهد - سلطنتی که به پسران جایگاهی برتر از مادران‌شان بدهد؟

### ازدواج پسر ۱۴ ساله و دختر ۱۲ ساله توجیه ندارد

دوم. به وضعیت زنان متاهل نگاه کنید. قوانین شما در مورد ازدواج - که گویا بر اساس قوانین قدیمی انگلستان وضع شده‌اند، و ترکیبی از عرف‌های نامتمدنانه‌اند و اندکی هم از تمدن ترقی‌خواهانه تأثیر گرفته‌اند - با دیدگاه‌های روشنفکرانه ما از عدالت و مقدس‌ترین احساسات طبیعی ما در تناقض آشکار است. اگر ازدواج را در بالاترین جایگاه ممکن، رابطه‌ای الهی در نظر بگیرید که فقط عشق می‌تواند اساس آن باشد و به آن قداست ببخشند، در این صورت قوانین بشری فقط می‌تواند آن را به رسمیت بشناسد. انسان‌ها نمی‌توانند پیوندهای ازدواج را محکم کنند یا آنها را از هم بگسلند زیرا که این حق فقط از آن خداست. اما اگر ازدواج را قراردادی مدنی تلقی می‌کنید، پس بگذارید تابع همان قوانینی باشد که بر قراردادهای دیگر حاکم است. آن را به نهادی نیمه انسانی و نیمه الهی تبدیل نکنید، و با وضع قوانین خاص برای این قرارداد، گرفتار فاحش‌ترین تناقضات و بزرگ‌ترین اشتباه‌ها نشوید.

طبق قانون شما هیچ مردی پیش از بیست و یک سالگی نمی‌تواند برای خرید

زمین یا اسب قرارداد ببندد، و اگر نیرنگی در کار باشد، یا طرف دیگر قرارداد به وعده‌هایش طبق توافق عمل نکند، او مقید به حفظ قرارداد نیست. در همه قراردادهای مدنی، تا وقتی که طرفین قرارداد هویت، قدرت و استقلالی را که قبل از قرارداد داشتند حفظ کنند، می‌توانند به انتخاب و اراده خودشان هرگونه قرارداد و شراکتی را به هر دلیل فسخ کنند. پس طبق کدام اصل قانون مدنی به پسر چهارده ساله و دختر دوازده ساله اجازه می‌دهید که برخلاف تمام قوانین طبیعی قراردادی ببندند که از همه قراردادهای بااهمیت‌تر است، و بعد هم آنها را برای تمام عمرشان، به رغم ناامیدی، فریب، و بدبختی، ملزم به حفظ آن می‌کنید و هرچه بادا باد؟ حال آنکه امضای قرارداد ازدواج برابر است با مرگ حقوقی یکی از طرفین. زن که تا دیروز به دنبالش بودند و در مقابلش زانو می‌زدند، و چنان پایگاه رفیعی داشت که همسطح با یک مرد ساکسون باغرور در تصمیم‌گیری سهم داشت، امروز موجودیت حقوقی و آزادی اجتماعی ندارد. زنی که چیزی به ارث نمی‌برد، جایگاه حقوقی‌اش برابر با برده‌ای است که در مزارع جنوب کار می‌کند. نه می‌تواند مالک چیزی باشد و نه چیزی بفروشد. حتی نسبت به دستمزد خود هم حقی ندارد؛ شخصیت، وقت و خدمات او مال دیگران است....

### مردان به تساوی با زنان قائل نیستند

سوم. به وضعیت زنان بیوه نگاه کنید. هر وقت سعی می‌کنیم درباره ستمی که به زن می‌شود حرف بزنیم، آنها که می‌خواهند باور کنیم قوانین را نمی‌شود بهبود داد، از امتیازات، قدرت، و مطالبات زنان بیوه می‌گویند. بیابید نگاهی به شرایط آنها بیندازیم. عظمت قانونی را ببینید که به زن بیوه اجازه می‌دهد تا یک سوم ملک و نیمی از دارایی شخصی شوهرش را حفظ کند و بیشترین سهم را برای خودش نگه دارد! اگر او اول فوت کرده بود، خانه و زمین همه همچنان از آن شوهر می‌بود. هیچ‌کس هم جرأت نمی‌کرد مزاحم خلوت او شود و در چنین مصیبتی به کنج عزلت او پا بگذارد. از شما می‌پرسم، چطور می‌شود چنین تمایزی بین زن و مرد را عدالت نامید؟

بارها با لحنی جدی از ما پرسیده‌اند که «شما زن‌ها چه می‌خواهید و به دنبال چه هستید؟» خیلی‌ها کنجکاوای قابل ستایشی نشان داده‌اند که می‌خواهند بدانند همسران و دختران آمریکا از چه چیز گله دارند، آن هم در سرزمینی که پدران و پسرانشان شجاعانه برای آزادی جنگیده‌اند و شکوه‌مندانه استقلال‌شان را تضمین کرده‌اند، ستم

و تعصب و طبقه را زیر پا گذاشته‌اند و به جهانیان حقیقت الهی را اعلام کرده‌اند که همه انسان‌ها برابر خلق شده‌اند. می‌پرسند که در چنین دولتی، زن‌ها چه خواسته‌ای می‌توانند باشند؟ می‌گویند تفاوت فاحش جنسی را بپذیرید و طبق آنها خواسته‌هایتان را مطرح کنید؛ می‌گویند برای ماهی آب بخواهید و برای پرند هوا. غیرممکن است بتوان مزرعه‌دار جنوب را قانع کرد که برده‌اش درست مثل او حس می‌کند و می‌اندیشد، که بی‌عدالتی و انقیاد به همان اندازه برای او هم آزاردهنده است، که او هم به اندازه اربابش پستی زیستن بر اساس اراده دیگری و اسیر هوس و وابسته بودن به هیجانات او را درک می‌کند. اگر به زور تصویری واضح از ستمی را که به بردگان می‌شود به او نشان دهید و برای لحظه‌ای وجدانش را متأثر کنید، منطق‌اش بلافاصله او را آرام می‌کند. می‌گوید برده‌ها احساسات‌شان مثل من نیست. آقایان، مشکل ما هم همین است: وقتی درخواست‌مان را نزد قانونگذاران و علمای کشور می‌بریم، نمی‌توانند بپذیرند که زن و مرد یکسان هستند؛ و مادامی که توده مردم با این باور غلط زندگی می‌کنند، افشاگری در مورد بی‌عدالتی‌ها و تحقیر جایگاه زنان اذهان عمومی را تکان نخواهد داد. در نهایت، این زن‌ها هستند که باید به خودشان بیایند.

### آنچه بر خود می‌پسندید بر زنان روا دارید

اما آقایان، اگر بپذیرید که زن و مرد یکسان هستند، در این صورت نمایندگان وفادار ما خواهید بود، و دیگر چه نیازی است به وضع قوانین خاص برای زنان؟ مگر یک قانون برای همه آنهایی که نیازها و خواسته‌های یکسان دارند، جواب نمی‌دهد؟ قانون طلایی عیسی مسیح بهتر از همه قوانین خاصی است که حاصل نبوغ بشر است: «آنچه را برای خود می‌پسندی در حق دیگران روا دار.» آقایان و برادران، خواسته ما هم از شما همین است. ما قانونی بهتر از آنچه برای خود وضع کرده‌اید، نمی‌خواهیم. ما به حمایتی بیش از آنچه قانون برای شما فراهم کرده، نیاز نداریم.

در پایان، اجازه دهید از طرف زنان ایالت از شما آن چیزی را بخواهیم که از زمان لنگر انداختن کشتی میوفلاور در پلای ماوث<sup>۱</sup> راک و در طول پیشرفت‌تان برای خودتان خواسته‌اید، زیرا که حقوق همه انسان‌ها با هم برابر و یکسان است. ممکن است بگویید اکثر زنان این ایالت چنین خواسته‌ای ندارند و این‌ها حرف تعداد اندکی

۱. اشاره به کشتی‌ای دارد که در سال ۱۶۲۰ اولین گروه مهاجران انگلیسی را به خاک آمریکا

زن بی‌فرزند و پیر و بدخلق و سرخورده است. اشتباه می‌کنید! ما نماینده توده مردم هستیم. بسیاری از زنان این ایالت زندگی خود، فرزندان، و نیز شوهران‌شان را تامین می‌کنند....

آیا واقعاً فکر می‌کنید این زن‌ها نمی‌خواهند بر درآمد خود کنترل داشته باشند، صاحب زمینی که می‌خرند و خانه‌ای که می‌سازند باشند، بدون دخالت و ظلم دائمی یک مرد لاابالی اختیار فرزندان‌شان را بر عهده داشته باشند؟ آیا فکر می‌کنید هر زنی الگوی فداکاری و اطاعت است و به خواست خودش تمام روز برای پنجاه سنت دوخت و دوز می‌کند، و با اطاعت از قانون شما، از امتیاز پرداخت خرج تنباکو و مشروب شوهرش بهره می‌برد؟ فکر می‌کنید زن آن مرد می‌خواره و حیوان صفت، اگر قانون و احساسات عمومی او را از این زندگی مشترک نجات می‌داد، راضی بود که تختخواب و خانه‌اش را با چنین مردی قسمت کند؟ به راستی که نه!...

ما به نمایندگی از طرف همه این زنان صحبت می‌کنیم. اگر به این فهرست بلند نام زنان کارگری را اضافه کنید که خواستار دریافت دستمزد کارهای طاقت فرسای خود هستند؛ زنانی که در ازای مبلغی ناچیز در مدارس دینی، دانشگاه‌ها و مدارس عمومی درس می‌دهند؛ بیوه‌هایی که بیرحمانه ازشان مالیات اخذ می‌شود؛ بخت برگشتگانی که در کارخانه‌ها، نوانخانه‌ها و زندان‌ها هستند؛ اگر نام همه این‌ها را اضافه کنیم، دیگر چه کسی می‌ماند که ما نماینده‌اش نباشیم؟ البته گروه کوچکی از خانم‌های اهل مد هستند که مثل پروانه در روزهای کوتاه تابستان به دنبال گل و آفتاب‌اند؛ ولی چیزی نخواهد گذشت که باد سرد پاییز و شبنم‌های یخ زده زمستان همه آنها را خواهد راند؛ و بعد آنها هم نیازمند و جویای حمایت خواهند بود، و به واسطه دیگران از شما عدالت و برابری طلب خواهند کرد.

